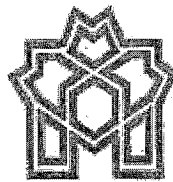


بِسْمِ ... الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

٩٨٢٤٠



دانشگاه علامه طباطبائی  
دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

## تأثیر زبان فارسی بر زبان ترکی استانبولی

نگارش: دونوش اورون

استاد راهنما: دکتر عباسعلی وفایی

استاد مشاور: محمد حسن حسن زاده

پایان نامه برای دریافت درجه ی کارشناسی ارشد

در رشته ی زبان وادبیات فارسی

تیر ماه ۱۳۸۷

۹۸۲۴۰

کتابخانه ادبیات فارسی  
دانشگاه علامه طباطبائی  
تهران

۱۳۸۷ / ۱۰ / ۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم



دانشگاه علامه طباطبائی

شماره .....

تاریخ .....

پوست .....

## « صورت جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) »

\*\*\*\*\*

جلسه دفاع از پایان نامه خانم دونوش اورون دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی در ساعت ۱۳/۳۰ روز یکشنبه مورخ ۸۷/۴/۳۰ در سالن شهید مطهری دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی با حضور اعضای هیات علمی گروه و جمعی از دانشجویان تشکیل شد.

پایان نامه ایشان با عنوان :

«تأثیر زبان فارسی بر زبان ترکی استانبولی»

مطرح گردید.

ابتدا خانم دونوش اورون خطابه ای درباره معرفی پایان نامه خود و دفاع از آن قرائت کرد. سپس استادان راهنما، مشاور و داور درباره این پایان نامه بیاناتی ایراد کردند. بعد از آن جلسه برای شور و تبادل نظر مدتی تعطیل شد. پس از تشکیل جلسه مجدد، پایان نامه خانم دونوش اورون پذیرفته شد و نمره آن برابر و معادل (۱۹) اعلام گردید.

استاد راهنما: آقای دکتر عباسعلی وفايي

استاد مشاور: آقای دکتر محمد حسن حسن زاده

استاد داور: آقای دکتر سعید واعظ

تقدیم به دوست داران زبان و ادبیات فارسی...

### تشکر و قدردانی

ستایش و سپاس از آن خداوندی است که هر آنچه داریم از اوست و بر ما منت نهاده و در دایره وجودمان آورده و راهنمایان خلق را به هدایتمان گمارده و کتاب هدایتش را نازل فرموده و فهم آن بر ما میسر داشته و باب تعقل و ایمان ورزی را بر ما گشوده و مهربانانه در جمع این دو یاری مان کرده.

از آنچه که این سپاس و ستایش جز با تشکر خلق به انجام نمی رسد، از هر آن که چیزی به من آموخته و راهی بر من نموده تشکر می کنم . در این زمینه به ویژه باید شکرگزار اینان باشم: استاد راهنما آقای دکتر عباسعلی وفایی و استاد مشاور آقای دکتر محمد حسن حسن زاده و از دوستان عزیز آقای اردبیلی و خانم کمالی و خانم بلوچی و همسر عزیزم ادین داوتبگوویچ بسیار سپاس گزارم.

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه‌ها کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: تأثیر زبان فارسی بر زبان ترکی استانبولی	
نگارش: دونوش اورون	
مترجم: دونوش اورون - اورحان ایلسو	
استاد راهنما: دکتر عباسعلی وفایی	استاد مشاور: دکتر محمد حسن حسن زاده
استاد داور: دکتر سعید واعظ	
کتابنامه: فارسی - ترکی	واژه نامه: فارسی - ترکی
نوع پایان نامه: کاربردی	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	سال تحصیل: ۱۳۸۴ - ۱۳۸۷
محل تحصیل: تهران	نام دانشگاه: علامه طباطبائی
نام دانشکده: ادبیات فارسی و زبان های خارجی	
تعداد صفحات: ۲۴۷	گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی
کلید واژه ها به زبان فارسی: تأثیر زبان فارسی بر ترکی - واژه های فارسی در ترکی - تأثیر زبان بر زبان دیگری	
کلید واژه ها به زبان انگلیسی: noun,particle,verb,adjective,adverb,special,turkish,persian	
الف. موضوع و طرح مسئله ( اهمیت موضوع و هدف): در این اثر تأثیر واژگانی زبان فارسی در ترکی استانبولی پرداخته شده است تا نموده آید چه میزان واژه های فارسی در زبان ترکی به کار رفته است.	
ب. منابع نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و پرسش ها و فرضیه ها: لغتنامه های ترکی - فارسی، کتاب های دستور زبان (فارسی - ترکی)، کتاب های تاریخ ادبیات ایران و ترکیه.	
پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روش های نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گرد آوری و تجزیه و تحلیل داده ها: فرهنگ های ترکی - ترکی، ترکی - فارسی و فرهنگ واژگان مشترک فارسی - ترکی را بررسی نمودم و کلمات فارسی را از آنها استخراج کردم	

ت. یافته های تحقیق: در حدود ۱۸۰۰ کلمه فارسی در زبان ترکی به شکل مختلف بکار می رود.

ث. نتیجه گیری و پیشنهادات: زبان فارسی در شرایط حاضر به عنوان کارآمدترین زبان محسوب می شود. برای درک معانی واژه ها نیازمند فرهنگی هستیم که واژه های فارسی را به طوری کلی بررسی نموده و در یک اثر جمع آوری کرده باشد.

در حال حاضر تعداد زیادی از واژه ها و تعبیر فارسی حضور خود را در فرهنگ و ادب ترک حفظ کرده اند. به عنوان مثال از میان ۹۹ واژه و ترکیب فارسی که در قسمت مربوط به «مصوت آ و حرف الف» فرهنگ واژه های دخیل فارسی در زبان ترکی جا گرفته، هم اکنون ۷۷ واژه و ترکیب در زبان ترکی امروز به کار برده می شود. زبان فارسی واژه ها و ترکیبات متعددی در همه زمینه ها، از ادبیات گرفته تا تصوف و هنر، وارد زبان ترکی کرده است.

در زبان ترکی واژه های فارسی؛ گاهی عیناً به همان معنی که در فارسی دارند به کار می روند - گاهی با تغییر در حروف و حرکات یا پس و پیش کردن حرفها: آخور: آخر دست اره: تستره چله: چیلهجامه شوئی: چاماشر- گاهی نیز در معنی و مفهوم خاصی جدا از آنچه در فارسی است، دیده می شوند: آزار: نکوهش و سرزنش و عتاب و طعن و مذمت و تأدیب. - بخشش: انعام. احسان. - بسته: آهنگ موسیقی.

تأثیر فارسی بر زبان ترکی را در وجوه و زمینه های متعددی می توان ملاحظه کرد؛ از این قبیلند:

۱. مضامین ادبی ۲. اصطلاحات عرفانی ۳. اصطلاحات موسیقی ۴. نامگذاری ها شامل:

- اسامی اشخاص (نوشین، نسرین، بهتر، شادمان، شادی، شبنم، توران، آگاه، و..)

- اسامی پرندگان (شاهین، بلبل، قمری، خروس، قو و..)

- اسامی جانوران (زرافه، سنجاب، ...)

- اسامی سبزیجات (یونجه، یولاف، شاه تره، هویج، ترب، ترخون، ...)

- اسامی گلها (بنفشه، لاله، سنبل، شب بوی، زنبق، ...)

- اسامی درختها (زیتون، سرو، بادام، ..)

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.



نام استاد راهنما:

سمت علمی:

نام دانشکده: ادبیات فارسی و زبان های خارجی

رئیس کتابخانه:

## فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	پیشگفتار
۳	مقدمه
۳۸	فصل اول: اسم
۳۸	گروه اسمی مرکب با پسوند «خانه»
۵۶	گروه اسمی مرکب با ترکیب «نامه»
۶۴	گروه اسمی مرکب با پسوند «ستان»
۶۴	گروه اسمی مرکب با پسوند «گاه»
۶۶	گروه اسمی مشتق با پسوند «چه» تصغیر
۶۸	گروه اسمی مشتق با پسوند «دان»
۷۰	گروه اسمی مرکب با همکرد ترکی
۷۵	گروه اسمی مرکب مشتق
۷۷	گروه اسمی مبدل
۸۳	گروه اسمی مخفف
۸۵	گروه اسمی با افزایش یک یا چند واج
۸۹	گروه اسمی با معانی خاص



۱۰۴	همکرد اسمی با ترکیب «جیلیک»
۱۰۶	همکرد اسم ساز «لیک»
۱۱۰	فصل دوّم: وابسته ی گروه اسمی با بن فعل
۱۱۰	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «دار»
۱۱۶	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «کار»
۱۲۲	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «کش»
۱۲۳	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «باز»
۱۲۶	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «پرست»
۱۲۷	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «شناس»
۱۲۸	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «پرور»
۱۲۹	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «زده»
۱۲۹	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «خوان»
۱۳۰	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «گیر»
۱۳۰	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «زن»
۱۳۱	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «بر»
۱۳۲	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «خور»
۱۳۲	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «زاده»
۱۳۴	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «نشین»
۱۳۵	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «دیده»
۱۳۵	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «پسند»
۱۳۵	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «دوز»
۱۳۶	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «فروش»
۱۳۶	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «نما»
۱۳۶	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «تراش»

۱۳۷	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «انداز»
۱۳۷	وابسته ی گروه اسمی با بن فعل «نویس»
۱۳۸	<b>فصل سوّم: وابسته ی گروه اسمی با پسوند اشتقاقی</b>
۱۳۸	وابسته ی گروه اسمی با پسوند اشتقاقی «گر»
۱۳۹	وابسته ی گروه اسمی با پسوند اشتقاقی «ی»
۱۴۶	وابسته ی گروه اسمی با پسوند اشتقاقی «بان»
۱۴۹	<b>فصل چهارم: وابسته گروه اسمی با پیشوند اشتقاقی</b>
۱۴۹	وابسته گروه اسمی با پیشوند اشتقاقی «بی»
۱۵۲	وابسته گروه اسمی با پیشوند اشتقاقی «بد»
۱۵۳	وابسته گروه اسمی با پیشوند اشتقاقی «بر»
۱۵۵	وابسته گروه اسمی با پیشوند اشتقاقی «نا»
۱۵۸	وابسته گروه اسمی با پیشوند اشتقاقی «هم»
۱۵۹	وابسته گروه اسمی با پیشوند اشتقاقی «پر»
۱۶۰	وابسته گروه اسمی با پیشوند اشتقاقی «سر»
۱۶۴	وابسته گروه اسمی با پیشوند اشتقاقی «در»
۱۶۶	<b>فصل پنجم: وابسته گروه اسمی در معانی خاص</b>
۱۶۶	وابسته گروه اسمی در معانی خاص
۱۸۱	<b>فصل ششم: قید</b>
۱۸۱	قید ساده
۱۸۳	قید مرکب
۱۸۴	قید مشتق
۱۹۰	قید مشتق مرکب
۱۹۳	<b>فصل هفتم: حرف</b>

۱۹۳	حروف ساده
۱۹۶	حروف مرکب
۱۹۸	حروف ربط مزدوج
۱۹۹	حروف فارسی تصرف شده
۲۰۰	جزء ترکی + «که» فارسی = حرف ربط
۲۰۱	نتیجه
۲۰۴	فهرست لغتنامه
۲۴۳	منابع و مأخذ

## پیشگفتار

مناسبات فرهنگی دو ملت ایران و ترکیه بسیار ریشه دار و تاریخی است و این رابطه به پیش از استقرار امیرنشین های سلجوقی در آناتولی باز می گردد. زبان فارسی در این زمان در خاک آناتولی و همین طور شبه قاره هند رونق بسیار زیادی داشت. در زمان سلاطین عثمانی نیز این زبان گسترش بیشتری یافت و ما می توانیم از اهتمام برخی سلاطین عثمانی که توجه زیادی به زبان فارسی داشتند یاد کنیم. سلطان سلیم و سلطان محمد فاتح دو تن از بزرگترین فرمانروایان عثمانی بودند که از هر دو ایشان دیوانهای شعری به زبان فارسی برجای مانده است. همین طور می توان از یکی از وزرای دربار عثمانی که کتابی با عنوان "هشت بهشت" درباره تاریخ شاهان عثمانی به زبان فارسی نگاشته است یاد کرد.

در ترکیه پیش از هر کشور دیگری مانند شبه قاره هند نسخه های خطی بسیاری در کتابخانه ها وجود دارد که همین مسئله نشان از توجه و اهتمام به زبان فارسی در این منطقه دارد. مولانا جلال الدین محمد بلخی را می توان یکی از مهمترین دلایل این ارتباط فرهنگی دانست.

تأثیر پذیری هر زبان از زبان دیگر و استقراض واژگانی، امری بدیهی می نماید و زبان پویا  
زبانی است که بتواند از دیگر زبان ها با حفظ اصالت وام گیرد و زبان ترکی نیز در این خصوص  
از دیگر زبان ها مستثنی نیست.

در این اثر تنها به تأثیر واژگانی زبان فارسی در ترکی استانبولی پرداخته شده تا نموده آید  
چه میزان واژه های فارسی در زبان ترکی به کار رفته است.

امید است که این تحقیق علمی و زبان شناسی بتواند ضمن ایفای نقش لغت نامه ای، در  
امر لغت شناسی نیز کارآمد افتد و مورد استفاده ی دانشجویان و استادان و دیگر محققان قرار  
گیرد.

دونوش اوروون

تیر ماه ۱۳۸۷

تهران

## مقدمه

نفوذ زبان در درجات متفاوت و گوناگون و به اشکال و انواع مختلف صورت می گیرد. نفوذ زبان گاهی با داخل شدن کلماتی چند از زبانی به زبانی دیگر و گاهی با غلبه و فرمان آیین قواعد یک زبان در زبان دیگر ظاهر می شود. اما مهمترین راه های نفوذ یک زبان در زبان دیگر از این قرارند:

۱. نفوذ زبان گاهی از راه فتوحات جنگی است و اگر حکومت و فرمانروایی ملت غالب مدتی به طول انجامد، ملت مغلوب ناگزیر از قبول زبان ملت غالب خواهد بود و در صورتی که درجه فرهنگ و تمدن ملت غالب بالاتر از تمدن و فرهنگ مغلوب باشد، در این صورت، ملت مغلوب در فرهنگ غالب مستهلک خواهد شد.

۲. گاهی نفوذ زبان از راه دعوت و تبلیغ مذهب یا مسلکی به وجود می آید. این امر در بدو تسلط اعراب بر ایران - در برخی نقاط - نیز صورت گرفت اما بالا بودن سطح درجه فرهنگ و تمدن ایرانی مانع از آن گردید که زبان فارسی تحت الشعاع همیشگی زبان عربی قرار گیرد.

۳. گاهی نفوذ زبان از راه تجارت و مبادله کالاها و آمدوشدها و مهاجرت ها صورت می گیرد که در برخی اوقات این عوامل دست به دست هم می دهند و موجبات غلبه زبانی را بر زبانی دیگر فراهم می آورند. در گذر زمان به دلیل همین عوامل، لغات و اصطلاحات نو پذیرفته شده و کلمات و واژه هایی نیز به دست فراموشی سپرده می شوند.

۴. اصطلاحات علوم و فنون یا کلمات موجود در آثار علمی، ادبی و دینی که بر اثر تبادل و ترجمه این آثار در بیان اقوام و جوامع، وارد زبان می شود، از دیگر عوامل نفوذ و تغییر زبان است. همان گونه که در نحوه ورود واژه های عربی در زمینه علوم و فنون ادب به فارسی به چشم می خورد.

۵. ترجمه از زبان های خارجی در همه بخش های اجتماع بویژه بخش هایی که مستلزم سرعت عمل است، از عوامل جدید نفوذ زبان به شمار می رود.

۶. وجود اصطلاحات علمی و فرهنگی سبب توانگری زبان است و توانگری سبب قدرت معنوی آن می گردد. با وجود این، اگر معادل این گونه کلمات به زبان هر کشوری ساخته نشود، و عیناً الفاظ وارداتی آنها وارد زبان گردد، زبان میزبان را به تباهی کشانده، در نتیجه استقلال فرهنگی صاحبان آن زبان آسیب پذیر می گردد.

البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که هر زبانی ممکن است برحسب نیازهای خود، واژه هایی از زبان های بیگانه به وام گیرد. این وامگیری نه تنها به خودی خود، خطری برای زبان محسوب نمی شود، بلکه به غنای آن نیز می افزاید. چنان که هزاران واژه و اصطلاح در طی چهارده قرن بتدریج از زبان عربی وارد زبان فارسی شد و توانایی آن را برای بیان ظریف ترین دقایق فکری و معنوی و انطباق با پیچیده ترین مسائل فرهنگی و علمی جهان امروز فراهم آورده است.<sup>۱</sup>

بنابراین در یک نتیجه گیری کلی می توان گفت که دخول این گونه کلمات از طریق زبان بر زبان نبوده است، بلکه از طریق ترجمه و به وسیله ی خواص و اهل علم و دانش به کشور بیگانه وارد و جزو آن زبان می گردند. در زمینه ادبیات نیز این تحول مشاهده می شود، زبان و ادبیات یک ملت هرگز نمی تواند مجرد و بدون تأثیر باشد، و در مقایسه میان ادبیات دو کشور این نفوذ و تأثیر به وضوح نمایان است و در تأثیر زبان و ادبیات یک ملت بر روی اقوام دیگر هر اندازه که اندک نیز باشد، نمی توان به خود تردید راه داد. زبان و ادبیات فارسی نیز از این قاعده مستثنی نیست و می توان سابقه ای طولانی از تأثیر زبان و ادبیات فارسی بر روی سایر ملل به دست داد. آغاز این تأثیر بخوبی روشن نیست. ولی بدون شک تأثیر آن بر روی سایر ملل و اقوام تا عصر حاضر ادامه داشته است. ترجمه آثار بزرگ فارسی به زبان های اروپایی و نیز ترکی، بویژه دیوان های شعرای بزرگ مانند سعدی، خیام، حافظ، عطار، نظامی، فردوسی، جامی، ناصر خسرو و ... به زبان های دیگر و نیز سفرنامه های متعدد جهانگردان و محققان، مقدمه ای برای شروع نفوذ زبان و اندیشه بزرگان ادب ایران در

<sup>۱</sup>اکرم تال، مقاله ی "تأثیر متقابل زبان ها بر یکدیگر" مجله ی آشنا، سال ۳. ش. ۱۸، ۱۳۷۳.

ادبیات اروپا، آسیای صغیر و سایر سرزمین‌ها بود. به هر تقدیر، ادبیات ملت‌ها نه تنها از نظر مواد و زبان، بلکه در طرز فکر و احساس نیز نقشی عظیم دارد.<sup>۱</sup>

اینک به نمونه‌ای از این تأثیرات و مصادیق آن در میان ملل و اقوام آسیای صغیر (آناتولی) می‌پردازیم تا عوارضی که این نفوذها و تأثیرهای زبانی بر جای گذاشته‌اند، بیش از پیش آشکار شوند. ترکان برحسب موقعیت جغرافیایی، مناسبت‌های تاریخی، همسازیهای فرهنگی و شرایط و عوامل اجتماعی، روابط پیوسته با ایرانیان داشته‌اند. عده‌ای از تاریخ فرهنگ نویسان به استناد سنگ‌نبشته‌های بدست آمده از نقاط مختلف آسیای صغیر اعتقاد پیدا کرده‌اند که فرهنگ ایرانی از قرن‌ها پیش در میان ترکان ریشه دوانیده و آسیای صغیر مدت‌ها تحت اداره هخامنشیان بوده است. ولی آنچه مسلم است نفوذ واقعی فرهنگ ایران در آسیای صغیر، کمی پیش از استقرار حکومت سلجوقیان آغاز شد و به تدریج عنوان فرهنگ غالب را در دیار روم کسب کرد. ابن بی بی در کتاب الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه به حادثه‌ای اشاره می‌کند که نشان می‌دهد در دوره سلجوقیان، فارسی علاوه بر اینکه زبان رسمی محاوره و مکاتبه بوده، قاطبه ملت از مردم عادی تا وزیران و سلاطین که اغلب ترک زبان بوده‌اند، با فارسی الفت داشتند و با تفنن در فارسی استادی و برتری خود را به اهل فضل نشان می‌دادند.

وقتی تمدن اسلامی از طریق خراسان بزرگ (مرکز فرهنگ و تمدن ایران) ضمن عبور از ماوراءالنهر بر سرزمین ترکان قدم گذاشت و ترکان از طریق ایرانیان با اسلام آشنا شدند، بر میزان الفتها افزوده شد و دو ملت که تا آن روز روابط خود را اغلب بر مبانی مادی استوار می‌کردند، متوجه بعد معنوی قضیه شدند و علاقه بیشتری به فرهنگ ایران پیدا کردند؛ برای بیان احساسات خود از فارسی الهام گرفتند و همچون عربی نویسی که در ایران قدیم مظهر برتری به شمار می‌آمد، فارسی نویسی را بدون اعراض و اعتراض پذیرفتند و از وجوه امتیاز شمردند. آنان فارسی را وسیله‌ای برای ایجاد الفت و افزایش همبستگی‌ها دیدند و هرگز نیاندیشیدند که این زبان در پی سلطه سیاسی یا تحمیل فرهنگی قدم بردارد.

فارسی در انتقال به سرزمین ترکان با مشکلی چندان رو به رو نشد. زیرا ترکان در روند مهاجرت به غرب، مدت‌ها در سرزمین ایران مانده و با عناصر تشکیل دهنده فرهنگ ایران زمین، از جمله فارسی تا اندازه‌ای آشنا شده بودند. فارسی و به اعتبار آن فرهنگ ایرانی از راههای مختلف در بطن فرهنگ ترک قدم گذاشت. اولاً سخنورانی از ایران که طوعاً یا کرهاً به مهاجرت و ترک دیار خود

<sup>۱</sup> کریم تال، مقاله‌ی "تأثیر متقابل زبان‌ها بر یکدیگر" مجله‌ی آشنا، سال ۳، ش. ۱۸، ۱۳۷۳.



مجبور می شدند، با تدوین آثاری به فارسی بر شهرت آن زبان می افزودند. از این قبیلند فخرالدین عراقی و سیف فرغانی که از جور مغول به آسیای صغیر پناهنده شدند؛ یا گلشنی و ادریس بدلیلی که به سبب اختلافات مذهبی دست از یار و دیار خود کشیدند؛ یا ابن بی بی که شکست خوارزمشاه به جلای وطنش مجبور ساخت.

ثانیاً توجه و عنایت سلاطین ترک سبب شد که فارسی قدر دید و در صدر نشست. ابتدا دربار سلاطین سلجوقی که بعضی از آنان چون ملکشاه و سلطان طغرل شعر به فارسی می ساختند، محفل پارسی گویان شد. در دوره خوارزمشاهیان نیز فارسی زبان دربار شد و تعدادی از سلاطین خوارزمشاهی چون آتسز، تکش و دو فرزندش علاء الدین و تاج الدین به سرودن شعر مشغول می شدند. هرچند غائله مغول فترتی پیش آورد، با برپایی امپراطوری عثمانی که مقدر بود ششصد سال بر سرزمین ترکان حکم براند، فارسی دوباره رواج یافت. اغلب سلاطین عثمانی همانگونه که فرزندان خود را به فراگیری فارسی تشویق می کردند، از اعزاز فارسی نویسان دریغ نمی ورزیدند. بعضی از آنان چون سلطان محمد فاتح، سلطان بایزید، سلطان سلیم، و سلطان سلیمان دوست شعر و شاعر بودند و در میدان شاعری اسب می تاختند.

ثالثاً توجه و علاقه سخنوران ترک به فارسی، بر رونق این زبان در میان ترکان افزود. این پاسداران ترک فارسی از راههای مختلف به ترویج فارسی دست می زدند؛ بعضی چون فضولی، ردپای سخنوران نامی فارسی گوی را تعقیب کرده، به ترتیب دیوان فارسی دست می یازیدند؛ برخی چون نوائی به استقبال بزرگ شاعران ایرانی می رفتند و درافتای آنان شعر می ساختند؛ بعضی دیگر ترجمه امهات آثار فارسی را ترجیح می دادند؛ عده ای چون سروری، سودی، لامعی و شمعی دروادی شرح نویسی قدم می گذاشتند؛ بالاخره عده ای چون شعوری، شاهدی و حلیمی به تدوین فرهنگهای دوزبانه می پرداختند.

لازم به یاد آوریم که در بعضی از دوره ها به ویژه در دوره حاکمیت مغول، واژه های ترکی نیز در مقیاسی محدود وارد فارسی شدند؛ ولی این کلمات که اغلب اصطلاحات اداری و حکومتی مغولها بودند، با برافتادن سلطه مغول، از حیز انتفاع برافتادند و تنها تعدادی از آنها به جهت استیلای اقوام ترک زبان در ایران (چون تیموریان و ترکمانان) که به زبان ترکی تکلم می کردند، باقی ماندند.

ادبیات ترکی با توجه به محیط فرهنگی که ترک ها در طول تاریخ در آن زندگی می کردند، شکل گرفته است و به سه دوره بزرگ تقسیم می شود: ادبیات ترکی پیش از اسلام، ادبیات ترکی تحت تأثیر فرهنگ اسلامی، ادبیات ترکی تحت تأثیر فرهنگ غربی. این تقسیم بندی، اولین بار وسیله

فؤاد کوپرولو که ادبیت ترکی را با روشهای علمی تحقیق کرده، انجام شد. سپس نویسندگان تاریخ ادبیات ترکی این تقسیم بندی را قبول کردند. ادبیات ترکی قبل از اسلام که قدیم ترین دوره است با نتیجه به اطلاعات به دست آمده به دو بخش تقسیم می شود: دوره گوکترک و دوره اویغور. مفصل ترین دوره ترکی دورانی می باشد که تحت تأثیر فرهنگ اسلامی است. در این دوره که هشتصد یا نهصد سال طول کشید در سرزمین های وسیعی که ترک ها زندگی می کردند آثار زیادی باقی ماند. این ادبیات، با نامهای ادبیات دیوانی مردمی، و ادبیات تصوفی توسعه پیدا کرد.

ادبیات ترکی که تحت تأثیر فرهنگ غربی نشو و نما پیدا کرد دارای چند دوره است: تنظیمات، ثروت فنون و فجر آتی، ادبیات ملی، ادبیات دوره جمهوری.

### ادبیات ترکی پیش از اسلام

ادبیات ترکی که قبل از اسلام وجود داشت، شفاهی بود و به رغم اسنادی که در مورد استفاده از خط بین ترک ها در قرن های پنجم و ششم میلادی وجود دارد، آثار ادبی بعدها تحریر شد. آثار ادبی قبل از اسلام: داستان ها، ساگوها، مرثیه ها، کوشوک ها ( در ادبیات قدیم ترکی نوعی شعر که مانند مثنوی است.) و ساوها ( ضرب المثل های منظوم و مقفی) است. متون متعلق به داستان های ترکی به دست ما نرسیده است، ولی خلاصه ها و بعضی قسمتهای آنها در منابع فارسی و عربی دیده می شود. در جامع التواریخ رشید الدین و تاریخ جهانگشای جوینی و در مروج الذهب مسعودی و در تاریخ ابو الفرج بن العبری اطلاعاتی درباره داستان های ترکی داده می شود.<sup>۱</sup>

### ادبیات ترکی تحت تأثیر فرهنگ اسلامی

وقتی که ترکان در قرون نهم و دهم میلادی ( سوم و چهارم هجری) به دین اسلام گرایش پیدا کردند برای انجام دادن وظایف دینی می بایست قرآن را یاد می گرفتند. در این دوره ترکان مسلمان مثل سایر ملل که مسلمان شدند از خط عربی استفاده کردند. در مدارس که در شهرهای بزرگ مانند بخارا، سمرقند، هرات و کاشغر گشایش یافته بود، زبان عربی، تفسیر، حدیث، فقه، کلام، هیئت و غیره تدریس می شد. از این رو در میان ترکان و جمعیت های مسلمانان، یک فرهنگ مشترک به وجود آمد.

<sup>۱</sup> ادوارد گرانول براون، تاریخ ادبی ایران، ج ۲: از فردوسی تا سعدی، ترجمه و حواشی و تعلیقات علی پاشا صالح، تهران ۱۳۵۸ش؛ جان اندرو بویل، «آثار جوینی و رشیدالدین به عنوان منابع تاریخ مغول»

در عهد سامانیان و غزنویان شعرای بزرگی در ایران پیدا شدند و شاهکاری مثل شاهنامه نوشته شد. ترکان و ایرانیان در طول تاریخ همیشه همسایه بودند، ضروریات تاریخی و جغرافیایی باعث شده است که این دو قوم با هم در ارتباط باشند و بر همدیگر تأثیر بگذارند. ترکان از ادبیات ایران خیلی تأثیر پذیرفته اند.

ادبیات ترکی اسلامی که تازه شکل می گرفت ادبیات عربی و ایران را برای خود سرمشق قرار داد. همانطور که غزنویان تربیت شدگان دربار سامانی و به همین جهت مأنوس به ادبیات فارسی بودند سلجوقیان نیز با آداب دربار غزنوی انس گرفته بودند و چون به سلطنت رسیدند تمدن و ادبیات ایران را جزو آیین پادشاهی خود قرار دادند.<sup>۱</sup>

سلجوقیان، با پیروزی بر غزنویان و آل بویه، قدرت بزرگ نوینی را پایه گذاری می کنند، تجزیه بیشتر دنیای شرقی اسلام را متوقف می سازند. سلجوقیان نسبت به نژاد ترک خود تعصبی ندارند و فرهنگ اسلامی و ایرانی را می پذیرند و به دستگاه اداری متشکل از ایرانیان متکی می باشند.<sup>۲</sup> در سال ۱۰۷۱ میلادی با جنگ ملازگرد ابواب آسیای صغیر روی ترکان باز می شود. بعد از جنگ ملازگرد راه نفوذ زبان و فرهنگ ایرانی در آسیای صغیر گشوده شد و به تدریج با استقرار سلجوقیان به همان نسبت که زمان می گذشت؛ و به میزانی که سلجوقیان در درون آن دیار و رو به غرب پیش می رفتند، این نفوذ گسترده تر، ژرف تر و استوارتر می شد. تا روزی که سلجوقیان بزرگ در ایران فرمانروایی داشتند بستگی دولت سلجوقی روم با آنها پا برجا بود. بعد از برافتادن آنها سلجوقیان روم احساس استقلال کردند و روی خوشی به خوارزمشاهیان نشان ندادند حتی علاء الدین کیقباد اول با جلال الدین خوارزمشاه جنگید و او را شکست داد. اندکی بعد با حمله مغول ها به دیار روم ناچار تابع و خراجگزار ایلخانان ایران شدند. بعد از استقرار سلجوقیان و امرای دست نشانده آنها در آسیای صغیر، بتدریج زبان فارسی زبان رسمی آن دیار گردید. محاوره در شهرهای مهم، نامه نویسی در دستگاه امیران، تدریس، تألیف، تصنیف و شاعری به این زبان بود. به قول ابن بی بی در دیار روم به پنج زبان تکلم می کردند، ولی فارسی به عنوان زبان رسمی بر همه آنها برتری داشت. علتش این است که خاندان سلجوقی پیش از رسیدن به روم در ایران با زبان و فرهنگ ایرانی خو گرفته بودند. زبان ترکی

---

<sup>۱</sup>سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، انتشارات فروغی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳، ص ۴۹.

<sup>۲</sup>یان و دیگران ریپکا، ترجمه عیسی شهابی، تاریخ ادبیات ایران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۱،

آن روز، پختگی و ورزیدگی و پیشرفتگی لازم را برای رفع نیازهای جامعه و دولت نداشت. زبان رومی هم که زبان قوم مغلوب و زبان کفار شمرده می شد. به این دلایل بود که زبان فارسی به صورت تنها زبان مناسب، زبان رسمی دوره سلجوقیان در آسیای صغیر گردید.<sup>۱</sup>

حمله مغول رمق از مردم ایران گرفته بود، به همین جهت ادبیات ایران تا مدت‌ها در ضعف و انقراض بود، زیرا عده کثیری از دانشمندان ایران در این میان کشته شدند و آنان نیز که جان به در بردند به خارج از ایران یعنی به هندوستان و آسیای صغیر که قلمرو سلجوقیان روم بود پناه بردند و ایران از مرد تهی شد. بخصوص ضرر بزرگی که متوجه ایران گشت این بود که در مدت چهارصد سال که از تمدن اسلامی ایران گذشته بود علوم و ادبیات به اوج کمال رسیده بود و اگر وقفه پیش نمی آمد قطعاً به جای بالاتر می رسید. چنانکه یکی از چند تن از ادبا و علمای ایران که به هندوستان و آسیای صغیر گریختند چنان اساسی گذاشتند که مدت هفتصد سال در هندوستان در دربارهای سلاطین مسلمان خصوصاً در دربار پادشاهان بابری و در قلمرو عثمانی در دربار سلاطین آل عثمان باقی ماند و حتی در زمانهایی که در ایران ضعف و فتوری پدیدار می گشت در آن ممالک جبران می شد.<sup>۲</sup>

مولوی همه آثارش را به زبان فارسی نوشته ولی بر ادبیات ترکی خیلی تأثیر گذاشته است. آثار تصوفی که بعد از مولوی نوشته شده بیشتر تحت تأثیر مثنوی است. سلطان ولد پسر مولانا پس از رحلت مولوی طریقت مولویه را بنا کرد و افکار و اندیشه های مولوی از شعرای مولویه به مردم رسیده است. در این زمان همه آثار مولوی ترجمه و شرح می شد. سلطان ولد که بعداً پیشوای مولویان گردید نیز ذوق عارفانه و قریحه شاعرانه داشت و سه مثنوی از او باقی است. سلطان ولد به لغت و شعر ترکی هم آشنا بوده و در ادبیات ترکی تأثیر بزرگ داشته و یکی از عوامل انتشار ادبیات ایران در سرزمین آسیای صغیر او بوده است.

مولوی تابناک ترین چهره زبان و فرهنگ ایران در عصر ایلخانان در دیار روم است. تأثیر عظیم اندیشه و آثار مولوی در ادامه رواج زبان و شعر فارسی و فرهنگ ایرانی در آسیای صغیر و سایر متصرفات عثمانی، به درجه ای از اهمیت رسید که کتاب‌ها باید درباره آن نوشته شود و از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار گیرد.

<sup>۱</sup> محمد امین ریاحی زبان و ادبیات فارسی در قلمرو عثمانی. تهران. انتشارت پازنگ ۱۳۶۹، ص ۲۳.

<sup>۲</sup> سعید نفیسی، تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی تا پایان قرن دهم هجری، انتشارات فروغی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۳۴.